نگاه

عطش سدسازی در ایران؛ توسعه یا توهم

احمد خاتون‌آبادی
دانشیار دانشگاه صنعتی اصفهان

عطش سدسازی به نگاه و برداشت نادرستی مربوط می‌شود که هر اقدام یا ماهیت سازه‌ای و ساخت‌وساز را با توسعه‌افکنی برابر دانسته و حد و مقوله را در یک ردیف می‌پندارد. دقیقا همین نگاه است که تمایل به ساخت سازه‌هایی غول‌پیکر دارد. از سوی دیگر، برای ساخت سد در حوضه‌های آبریز رودخانه‌ها، همواره با نو کوشش و کرایش متضاد مواجه بوده‌ایم: نخست نگرش «سدسازی به‌عنوان هدف» که ساختن سد را عملی ستایش‌برانگیز و شکوهمند و در صدر اقدامات توسعه‌ای دانسته، برای آن برنامه توسعه‌خیلی (و نه منطقه‌ای) می‌نویسد. کمتر به پذیرش نقدی بر روندهای مخرب سدسازی تن داده و آن را در اولویت اول سرمایه‌گذاری‌های رشد و توسعه اقتصادی قرار می‌دهد. در نگرش دوم «سد به‌مثابه وسیله» است و سدسازی را صرفا به‌عنوان ابزار توسعه و برای پاسخ به نیازی مبرم در نظر می‌گیرد و به آن به صورت پدیده‌ای مطلق و منطقه‌ای و مشروط به نتیجه ارزیابی‌های متعدد زیست‌محیطی و اجتماعی می‌نگرد. با چنین رویکرد اخیر، بارها شنیده‌ایم رتبه ایران را در سدسازی، رتبه سوم و در جادسازی رتبه چهارم در میان سایر کشورهای جهان اعلام کرده‌اند. حال آنکه در کنار برخی آثار مثبت ماننده تأمین آب شرب برای جمعیت‌های در حال افزایش در شهرها و توسعه اقتصادی در کوتاه و میان‌مدت، هرگز از تأثیر منفی و بلندمدت سدهای احداث‌شده و نقش آنها در خشک‌شدن رودخانه‌ها، تالاب‌ها و دریاچه‌ها سخنی به میان نمی‌آید و نیز از پیامدهای زیست‌محیطی آنها مانند حرکت رودکرم‌ها، پلیس‌رفتن آب‌های زیرزمینی و نشست زمین و خسارت به مکان‌های مسکونی و تاریخی، کمتر گزارش مستندی در اختیار مردم قرار می‌گیرد.

براساس آمارهای ارائه‌شده از سوی سازمان‌های ذی‌ربط، سه استدلال تکراری برای مواضع حق‌وجودداران روند پرشتاب سدسازی، به هیچ‌وجه قابل اتکا نبوده و براساس مستندات و مشاهدات میدانی درست نیست. این سه استدلال عبارت‌اند از: «سدها آب و برق ایران را تأمین و از جریان‌های سیلاب و ویرانی‌های ناشی از سیل جلوگیری می‌کنند». در این زمینه باید گفت: قریبا حدود صدت درصد برق کشور توسط سدها تأمین می‌شود و همچنین سدها تاکنون به هیچ‌عنوان مانعی مؤثر در برابر وقوع سیل نبوده‌اند. نگاهی گذرا به اخبار مربوط به سیل در هفته‌های اخیر (آل هم با وجود احداث سدهای بی‌شمار در دو دهه گذشته) بیانگر افزایش چشمگیر و رو به تزاید تعداد سیل‌ها و خرابی ناشی از آنهاست. آثار بنایی سدهای بعد کرایش قابل‌توجهی در زیست‌بوم‌های ایران دارد و با نیز قرب و از طریق جریان دائمی آب در رابنده‌رود، براساس پژوهش‌های در دست انجام، دری نخواهد بسته به رژیم‌های سیلی مقاذیر زیاد سرب و جیوه‌های سمی مهیب و پرانرژی، نه‌فقط الگوی توسعه سدسازی در کشور را به‌شدت به چالش می‌کشد، بلکه نشانگر تخریب گسترده مراتع و جنگل‌ها و فرسایش آب‌کم‌سابقه حوضه‌های آبخیز است. بررسی‌های تحلیلی و آسیب‌شناسی و مطالعه دقیق گزارش‌های موجود، بیانگر این حقیقت است که اکثر سدهای کشور با آثار ناگوارای را برای طبیعت به همراه آورده‌اند. باید بر تلید کارکرد شناسان و کنشگران حوزه محیط‌زیست، اصلی‌ترین عامل مؤثر در نابودی یا تخریب تالاب‌های ایران- سدها هستند که آب را بر روی این پهنه‌های شگفت‌آور و ارزشمند بسته‌اند یا به کمینه رسانده‌اند.

درایران‌میان صرفنظر از نگاه سودآگرانه و صرفا منفعت‌طلبانه، مشکل اساسی در نادیده‌انگاشتن کلیت رودخانه به‌عنوان یک ساماند به‌هم‌پیوسته و زیست‌بوم یک‌پارچه است. رودخانه‌ها، چه به لحاظ زیست‌بومی و چه به لحاظ اجتماعی، از سرچشمه تا پایاب، شامل مجموعه‌ای از جامعه‌های طبیعی و انسانی‌اند که در تعاملی پویا و دارای تأثیرات متقابل هستند. همراستا با سدسازی‌های دوگانه که آب طبیعی رودخانه‌ها را به نحو چشمگیری کاهش داد، فشار بر آب‌های زیرزمینی افزایش یافت. از سوی دیگر، روند پرشتاب حرکت چاه در طول ۳۰ سال گذشته موجب افزایش فشار بر آبخوان‌های کشور شده است به‌طوری‌که قریب به ۲۵ درصد از دشت‌های کشور اینک دارای بیلان منفی در تراز آبی زیرزمینی است. با شگفتی، بیش از ۱۰ درصد کل چاه‌های ایران (کشوری با سابقه هفت هزار سال فعالیت کشاورزی و بهره‌برداری کوناکون از آب‌های زیرزمینی) به‌تنهایی در «سال ۱۳۹۱ تمام شده است. تعداد زیادی از این چاه‌ها در بلااست رابنده‌رود حفر شده‌اند. در فاصله یک‌دهه، تعداد چاه‌های غیرمجاز و نابود می‌شوند. بسیاری از این چاه‌ها به‌ناچار زیر تالاب‌ها حفاری شده‌اند تا آبها را در دشت‌های پایین‌دست را مختل کنند. تعادل اکولوژیک کوهستان‌ها (یعنی بهترین آبخیزها و سرچشمه رودخانه‌ها) را با احداث قطعه‌های مصنوعی مطمئن دچار سدسازی آسیب‌زا می‌کند که با حدود ۶۰۰،۰۰۰ اعتبار برای پروژه فوق‌الذکر و در نامه‌ای مجزا نیز به وزیر نیرو، حراست توقف سدسازی در کشور شود. اینک آبها نیز با رسخ مطرح کرد که اگر سد نداشته باشیم آب شرب شهرها مختل می‌شود. ما نیز با رسخ دادیم که برای تأمین آب شرب می‌توان با ایجاد زیرراهی‌ها در آزال در رویسه را در دمن مصبر می‌کند. با اینکه احداث سد کرخه جریان آب در هورالعظیم و هورالهویزه را به‌شدت تحت‌تاثیر قرار داده و با خشک‌شدن این دو تالاب، اینک چندین میلیون انسان، در استان‌های مجاور به‌فقط منطقه سطح معیشت و اشتغال خود را که به تالاب وابسته بود، از دست داده‌اند، یکی از هر مجموع رزیکردها: جرار بیمارهای گوناگون مسکونی و سکونت بیشتر غربی تقلید می‌کنیم. افقا ۲۰۱۰ سد در حوضه دریاچه ارومیه و خشک‌شدن این دریاچه، حادثه خشک‌شدن فاجعه‌آمیز دریاچه آرال در روسیه را در ذهن مجسم می‌کند. با اینکه احداث سد کرخه جریان آب در هورالعظیم و هورالهویزه را به‌شدت تحت‌تاثیر قرار داده و با خشک‌شدن این دو تالاب، اینک چندین میلیون انسان، در استان‌های مجاور به‌فقط سطح معیشت و اشتغال خود را که به تالاب وابسته بود، از دست داده‌اند. یکی از هر مجموع رزیکردها: جرار بیماری‌های گوناگون مسکونی و سکونت بیشتر غربی تقلید می‌کنیم. افقا ۲۰۱۰ سد در حوضه دریاچه ارومیه و خشک‌شدن این دریاچه، حادثه خشک‌شدن فاجعه‌آمیز دریاچه آرال در روسیه را در ذهن مجسم می‌کند. با نیز